

عتیق الله نایب خیل

سیدنی

هفتم عقرب 1391 خورشیدی

## دهن ازدهای تروریسم باز تر می شود

روز جمعه پنجم عقرب (26 اکتبر 2012)، مصادف با اولین روز عید قربان، کشور ما شاهد یک واقعه خونین دیگری در میمنه، مرکز ولایت فاریاب، بود. این بار قربانیان عمل وحشیانه، نمازگزارانی بودند که به منظور ادای مراسم نماز عید گردهم آمده بودند. در اثر انفجار، ده هاتن کشته و زخمی گردیدند و روز عید به روز ماتم تبدیل گردید. عده‌یی با لباس سفید کفن پوشانیده شدند و عده‌یی در سوگ عزیزان از دست رفته خود، سیاه پوش گردیدند.

رئیس جمهور آقای کرزی این بار هم مسئولیت خویش را ادا کرد!! و همان نسخه متحدالمال همیشگی را بکار برد، و در پیام روز عید به مردم، این واقعه را "محکوم" کرد و باز هم مخالفین تروریست را به مصالحه دعوت کرد.

این در حالی است که لحن ملا عمر، رهبر طالبان، نیز در برابر آقای کرزی تغییر ناپذیر باقی مانده و دولت او را دست نشانده می داند و حاضر به مذاکره و مصالحه با او نیست.

چند روز قبل ازین واقعه خبر قصد ترور ملاله یوسفزی، دختر چهارده ساله پاکستانی به دست طالبان، سبب انزجار عمومی افکار عامه جهانی، از جمله در کشور ما گردید. با فراخوان وزارت معارف افغانستان در پانزده هزار و پنجاه مکتب و مدرسه در نقاط مختلف کشور، به تعداد 9 میلیون و 5 صد هزار شاگردان معارف، برای صحت یابی ملاله یوسفزی دعا کردند و این اظهار همبستگی با یک قربانی دیگر تروریسم که در ظاهر کاریست درخور ستایش؛ چون "بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش زیک گوهرند"، اما بدون رعایت ضرورت های مبارزاتی علیه

جنايات همان شاخه های تروريستی در افغانستان همواره پرسش برانگيز بوده است. طالبان پاكستانی مسؤوليت اين سوؤ قصد را پذيرفتند و دولت پاكستان هم حتا برای دستگيري طالبی که سخنگوی اين خبر است، يك مليون دالر جايزه تعيين کرد.

بر علاوه شکايت از سهل انگاری و برادر خوانی طالبان از طرف حکومت آقای کرزی ، موضوع تقبیح دولت پاكستان هم در قبال رشد دادن تروريسم در افغانستان مطرح است . مثلاً اين جايزه يك مليون دالری ، اگر واقعا" ازديد و موضع گيري ضد تروريسم صورت گیرد، قابل تحسین است، اما چرا همان کسانی که برای گرفتاری سخنگوی طالبان پاكستانی حاضر می شوند يك مليون دالر جايزه بپردازند، به سران طالب افغانستان پناهگاه های امن فراهم می سازند و سلاح ومهمات و امکانات لوژيستیکی در اختيار شان قرار میدهند ؟

جواب بسیار ساده این است که حکومت پاكستان حق دارد به منافع کشوری خود فکر کند و برضدهران نیرویی که منافع ملی کشورش را به خطر اندازد، بجنگد. ولی وقتی سیاست خویش را در قبال افغانستان پیاده می کند، باز هم منافع ملی اش را در ضدیت با مردم افغانستان به پیش می برد. این سیاست ضد افغانستان، در نهایت خود نتیجه رشد وگسترش تروريسم را به وجود می آورد.

پرسش دیگر این است که :

چرا در کشور ما برای همنوایی با قربانیان تروريسم ، کوششی به عمل نمی آید تا همان نیروی عظیم شاگردان معارف سمت وسوی ضد تروريستی بگیرند ، تا عکس العمل واحدی در برابر این گونه اقدامات خونین ، به نمایش گذاشته شود. برخلاف ، پس از هر فاجعه یی، آقای رییس جمهور، به عوض این که راه حلی ارایه دهد، عاملین را یک بار دیگر به "مصالحه" دعوت می کند و با این کارنه تنها گروه های تروريستی و دهشت افکن بیش از پیش جسورتر می شوند؛ بلکه مردم را نیز از نظرروحي، در برابر آنان ، خلع سلاح می سازد.

سزاوار تذکر است که حملات انتحاری طالبان به مراسم و اعیاد دینی تازه گی ندارد. به تاریخ پانزدهم دلو 1390 خورشیدی برابر با ششم دسمبر 2011 عیسوی نیز شهر ماتم زده کابل ، یک بار دیگر شاهد یک ماتم خونین دیگر بود. ماتمی که در عقب آن همان دست های دشمنان سوگند خورده مردم افغانستان به خوبی نمایان بود. دست های خونینی که این بار نیز قربانیان خویش را از میان مردمان غیر نظامی ، و زشت تر از آن ، از میان زنان ، کودکان و افراد سالمند عزاداران روز عاشورا انتخاب نموده بود ؛ و چنان جنایتی آفرید که حتی کارنامه های خونین حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر آن کم رنگ جلوه می کرد. مسعود حسینی ، عکاس افغان ، که آن روز همانجا بود و علیرغم آنکه خودش نیز زخمی گردیده بود، توانست عکس ترانه اکبری ، دخترک سبزپوش را، در میان اجساد غرقه به خون قربانیان آن حادثه ، بگیرد. این عکس در فاصله کوتاهی در مهم ترین روزنامه های جهان به چاپ رسید و توانست جایزه بهترین عکس خبری پولیتزر در امریکارا بدست آورد.



عکس از مسعود حسینی

باز هم پرسیده می شود که ، چرا آقای رییس جمهور هیچگاه کوششی به عمل نیاورده است تا از حوادثی ازین دست، برای بسیج افکار عمومی ، بر علیه طالبان و تروریست ها، استفاده نماید. عمران خان، رهبر حزب تحریک انصاف پاکستان ، با سفر به مناطق قبایلی پاکستان ، جنگ گروه های تروریستی در افغانستان را ، جهاد اعلام کرد؛ در حالی که او در جایگاه و موقعیتی نیست که چنین فتوایی صادر نماید. اما برای بهره برداری های سیاسی حاضر به دادن فتوا

می شود. آیا دولت افغانستان از چنین توانمندی برخوردار نیست تا به وسیله شورای علمای افغانستان و یا مراجع دیگر دینی چنین فتوایی را صادر نماید؟ گذشت زمان نشان خواهد داد که چه کاسه یی زیر نیم کاسه است.

اما تا آن هنگام همه روزه می بینیم که اژدهای تروریسم دهن خویش را بازتر کرده و بی گناهان بیشماری را در کام خود فرو می برد.